

دکتر رابرت ای. پترسون، الهیات یوحنا، جلسه ۱۹، نجات، جذب شدن، فراخوانده شدن، برخاستن رستاخیز به زندگی

رابرت پترسون و تد هیلدبرانت © ۲۰۲۴

من دکتر رابرت ای. پترسون هستم در تدریسش در مورد الهیات یوحنا. این جلسه ۱۹ است، رستگاری، جذب شدن، فراخوانده شدن، برخاستن، رستاخیز به زندگی.

ما به مطالعه‌ی آموزه‌های انجیل چهارم، الهیات یوحنا، ادامه می‌دهیم. ما با جنبه‌ی دیگری از نجات سروکار داریم، و آن دو مورد، یا شاید سه مورد، دو مورد در همان فصل، فصل ششم، است که در آن مردم توسط پدر به سمت پسر جذب می‌شوند. در واقع، در یکی از آنها، من معتقدم که می‌گوید پسر مردم را به سمت خود جذب می‌کند، و این جذاب است.

بله، ها، جالبه. به هر حال، بیا با هم دعا کنیم. پدر، از قولت ممنونم.

ما دعا می‌کنیم، به ما بیاموز. دل‌های ما را دلگرم کن. زندگی‌های ما را برای خودت و پادشاهی‌ات ارزشمند کن، ما از طریق عیسی مسیح، واسطه، دعا می‌کنیم.

آمین. اگر بخواهید، رستگاری در انجیل چهارم چهره‌های متفاوتی دارد. حیات جاودان است؛ یک گزینش است، رستاخیز مردگان است.

اینجاست، این عشق خداست به جهانی که از او متنفر است. مفهوم نقاشی اینجاست. می‌خواهم آن را در این دوگانگی قرار دهم، متاسفم، روح [روح] از قلم افتاده است، متن در یوحنا ۶، جایی که پدر و پسر با هم کار می‌کنند تا همه کسانی را که ایمان می‌آورند نجات دهند، کسانی را که پدر به پسر می‌دهد نجات دهند، کسانی را که به عیسی ایمان دارند نجات دهند.

و همانطور که قبلاً گفتیم، یک هماهنگی دوتایی وجود دارد. البته، من به هماهنگی تثلیثی اعتقاد دارم. یوحنا فقط کار روح را مرتبط نمی‌داند، حداقل در این مرحله از کتاب نشانه‌ها.

بعد از بحث نان حیات، خب، در میانه‌ی آن، باید بگویم که این پیوند را داریم که از آیه‌ی ۳۵ شروع می‌شود. من نان حیات هستم. هر که نزد من آید، گرسنه نخواهد شد.

هر که به من ایمان آورد، هرگز تشنه نخواهد شد. ما به سوی عیسی می‌رویم «با این تشبیه به عنوان ایمان به عیسی تعریف می‌شود. ایمان به عیسی و آمدن به سوی عیسی، رضایت معنوی را به همراه دارد، مانند لذت بردن از یک وعده غذایی خوب یا رفع تشنگی.

اما من گفتم، شما مرا دیده‌اید و به من ایمان نمی‌آوردید. هر که پدر به من عطا کند، نزد من خواهد آمد. هر که نزد من آید، او را هرگز بیرون نخواهم کرد.

زیرا من از آسمان نازل نشده‌ام تا اراده خود را انجام دهم، بلکه اراده فرستنده خود را، تا از هر آنچه او به من داده است چیزی از دست ندهم، بلکه آن را در روز بازپسین برخیزانم. این اراده پدر من است که هر که به

پسر بنگرد و به او ایمان آورد، حیات جاودان داشته باشد و من او را در روز بازپسین برخیزانم. این پیوند از آیه ۳۶ آغاز می‌شود.

دیدن عیسی و ایمان نیاوردن به ۳۶، الف است.
یک نقطه اوج در ۴۰ است، دیدن عیسی و ایمان آوردن به او. ۳۶، پدر، مردم را به پسر می‌دهد و سپس به سوی پسر می‌آید. این آیه ۳۹ است.

اول می‌شود. من چیزی را از دست B و B این از تمام چیزهایی که او به من داده صحبت می‌کند. آن درجه نخواهم داد.

هرگز او را طرد نخواهم کرد. قرن، آیه ۳۷. قرن اول، آیه ۳۹، من نباید هیچ چیز از آنچه او به من داده است را از دست بدهم.

پرایم یعنی این اراده‌ی D است، و D یعنی من آمده‌ام تا اراده‌ی فرستنده‌ی خود را انجام دهم، و سپس آن D فرستنده‌ی من است. بنابراین، ما

را داریم، دیدن عیسی و ایمان آوردن، در این مورد ایمان نیاوردن، ۳۶ A

ب، پدر مردم را به پسر می‌دهد و آنها به سوی پسر می‌آیند.

ج، پسر آنها را حفظ می‌کند، آیه ۳۷.

د، پسر اراده پدر را انجام می‌دهد.

دی پرایم، اراده پدر.

سی پرایم، پسر هیچ یک از برگزیدگان را از دست نمی‌دهد.

ب پرایم، پدر مردم را به پسر داد.

الف پرایم، دیدن و ایمان آوردن.

در این میان، در بحبوحه این جنبه‌های نجات، تصویر کلی این است که پدر مردم را به پسر می‌دهد. یک مضمون یوحناپی از گزینش پدر آنها را به سمت پسر جذب می‌کند.

این دیگر یک تقسیم‌بندی نیست؛ بلکه سیستماتیک است. پدر مردم را به پسر می‌دهد، او آنها را به سمت پسر جذب می‌کند، آنها به سمت پسر می‌آیند، به پسر ایمان می‌آورند. پسر به او حیات جاودان می‌دهد.

پسر آنها را نگه می‌دارد. پسر آنها را در روز بازپسین برخیزاند. گزینش و قرعه‌کشی شبیه فراخواندن هستند.

ایمان، حفظ، رستخیز. اینها اعمال هستند؛ باز هم، روح القدس از قلم افتاده است. اینها اعمال هستند. اعمال متقابل پدر و پسر.

بگذارید آن را با یک دیدگاه بزرگتر کتاب مقدس مرتبط کنم. حتی انتخاب یوحنا، و قطعاً پولس، همیشه کار پدر است، به جز در یوحنا ۱۵، ۱۶ و ۱۹، هرگز کار روح القدس نیست. ترسیم، رسالت پولس است، این نیز کار پدر است.

ایمان آوردن کار گناهکاران است، همانطور که خدا آنها را قادر می‌سازد، اما مردم، انسان‌ها، ایمان می‌آورند. ایمان به پولس، ایمان به یوحنا. هیچ کس نمی‌تواند بگوید عیسی خداوند است، مگر به واسطه روح القدس.

روح فرزندخواندگی ما را قادر می‌سازد تا فریاد بزنی، ای پدر. رومیان ۸: ۱۵، ۱۶، مورد اول، اول قرن‌تین ۱۲. حفظ و حراست، کار تثلیث است.

در انجیل یوحنا، این کار پدر و پسر است. در این زمینه، در یوحنا ۶، این کار پسر است. در یوحنا ۱۰، هیچ کس نمی‌تواند او را از دست من بگیرد، و هیچ کس نمی‌تواند او را از دست پدر بگیرد.

پدر و من یکی هستیم که گوسفندان را حفظ می‌کنیم. برای مثال، در نوشته‌های پولس، روح القدس مُهر است و تثلیث ما را حفظ می‌کند. در مورد رستاخیز در روز آخر، نیمی از متون کتاب مقدس از پدر و نیمی از پسر سخن می‌گویند.

رومیان ۸ شامل روح القدس می‌شود. در اینجا، پدر مردم را به پسر می‌دهد. پدر مردم را به سمت پسر جذب می‌کند.

این واقعاً چیزی است که ما با آن سر و کار داریم. آنها نزد پسر می‌آیند. پسر آنها را نگه می‌دارد.

پسر آنها را در روز آخر زنده می‌کند. همانطور که قبلاً گفتم، قطعاً هماهنگی دوگانه وجود دارد. البته هماهنگی تثلیثی نیز وجود دارد.

اینجا اینطور نیست. الهیات باید از کتاب مقدس استخراج شود. در این معنای محدود، به روح القدس اشاره‌ای نشده است.

و همچنین یک پیوستگی در اشخاص وجود دارد. این افرادی هستند که پدر به پسر می‌دهد، که پدر آنها را به سمت پسر جذب می‌کند، که به پسر ایمان می‌آورند، که پسر آنها را نگه می‌دارد، که پسر آنها را در روز آخر برمی‌خیزاند، در این زمینه می‌توانید آن را یک زنجیر طلایی بنامید، همانطور که مردم به رومیان ۸، ۲۹ و ۳۰ اشاره می‌کنند.

دوتایی و هماهنگی تثلیثی سیستماتیک وجود دارد. و قوم خدا، که پدر به پسر می‌دهد، در نهایت توسط پسر. در روز آخر زنده می‌شوند. این نقاشی چیست؟ آیه ۳۷.

از اینکه چنین ارجاع اشتباهی می‌دهم متنفرم. عذرخواهی می‌کنم. مطمئناً در آیه ۴۴ هم این را می‌بینیم.

هیچ کس نمی‌تواند نزد من بیاید، مگر اینکه پدری که مرا فرستاده او را جذب کند. من سعی می‌کنم این را در آیات قبلی ببینم، اما نمی‌توانم آن را پیدا کنم. هیچ کس نمی‌تواند نزد من بیاید، یعنی به من ایمان بیاور، آیه ۳۵. به وضوح این را با تشبیه نشان می‌دهد، مگر اینکه پدری که مرا فرستاده او را جذب کند.

پدر مردم را به سوی پسر جذب می‌کند. به زبان پولس، او به طور مؤثر مردمی را که پدر به پسر می‌دهد، به سوی پسر فرا می‌خواند تا آنها به سوی پسر بیایند و به او ایمان آورند. این نشان می‌دهد که نه تنها خدا برای نجات برنامه‌ریزی می‌کند و مردم را انتخاب می‌کند و مردم را به پسر می‌دهد، بلکه خدا و ما معمولاً این را به عنوان روح القدس در نظر می‌گیریم، اگرچه حتی در پولس، کسی که فرا می‌خواند در واقع پدر است.

پدر در پولس، دعوت‌کننده است. پدر برگزیدگان را جذب می‌کند و آنها می‌آیند. آنها به پسر ایمان می‌آورند. در این مکان است که یوحنا، قبل از هر چیز، کارهای پدر و پسر را در رستگاری هماهنگ می‌کند.

او در همه جا مردم را به ایمان به مسیح فرا می‌خواند. در اینجا، اگر بخواهید، نگاهی به پشت صحنه یا نگاهی الهیاتی داریم، همانطور که در رومیان ۸، ۲۹ و ۳۰ می‌بینیم، در زمینه‌ای که پولس در آن حفظ ایمان را آموزش می‌دهد. او در اینجا نیز چنین می‌کند.

مردمی را که پدر به او داده است، در روز بازپسین زنده خواهد کرد. آیه ۳۹: این است اراده‌ی فرستنده‌ی من که از تمام آنچه او به من داده است، چیزی از دست ندهم، بلکه آن را در روز بازپسین زنده کنم. در این صورت، او مستقیماً از دادن به بزرگ کردن می‌رود و گرفتن، آمدن و نگه داشتن را کنار می‌گذارد.

این نشان می‌دهد که محور اصلی این متن حفظ قوم خداست. برگزیدگان به حیات جاودانی خواهند رسید. ببخشید، ۳۷ اشاره‌ی بدی است.

عدد ۴۴ اشاره‌ی بدی نیست. هیچ‌کس نمی‌تواند به من ایمان بیاورد، مگر اینکه پدری که مرا فرستاده او را جذب کند. یوحنا بارها می‌گوید، ایمان بیاورید.

اگر ایمان نیاورید، در گناهانتان خواهید مرد، و این درست است. و با این حال، در اینجا ما یک شرط داریم، و آن این است که پدر به طور اسرارآمیزی در قوم خود کار می‌کند تا آنها را به طور مؤثر به ایمان به پسرش فرا بخواند.

جایی است که عیسی از این زبان خودش استفاده می‌کند. او کسی است که قوم خدا را به سمت ۳۲، ۱۲ خود جذب می‌کند. و این یک جذب جهانی است.

او همه انسان‌ها را به سوی خود جذب می‌کند. یوحنا ۳۲:۱۲، در جتسیمانی یوحنا، به اصطلاح، عیسی می‌گوید، آیا بگویم، پدر، مرا از این ساعت نجات بده؟ به هیچ وجه. من برای این منظور به این ساعت آمده‌ام.

ای پدر، نام خود را جلال بده. صدایی از آسمان می‌گوید: «من آن را جلال داده‌ام و دوباره آن را جلال خواهم داد.» در این انجیل، مظهر اصلی گناه، بی‌ایمانی است.

مردم حتی نمی‌توانند صدای خدا را از آسمان بفهمند. اکنون داوری این جهان است، ۳۱. حال، آیا حاکم این جهان بیرون رانده خواهد شد؟ و من، نگرانی ما، نگرانی بزرگ ما، ۳۲.

و من، هنگامی که از زمین بلند کرده شوم، شکی نیست که وقتی مصلوب شوم، همه مردم را به سوی خود خواهم کشید. او این را گفت تا نشان دهد که با چه نوع مرگی خواهد مرد. بنابراین، جمعیت به او پاسخ دادند: ما از طریق شریعت شنیده‌ایم که مسیح تا ابد باقی می‌ماند.

چگونه می‌گویی پسر انسان باید بالا برده شود؟ این پسر انسان کیست؟ عیسی به ایشان گفت: «نور اندک زمانی دیگر در میان شماست. تا زمانی که نور را دارید، راه بروید، مبادا تاریکی شما را فرا گیرد. کسی که در تاریکی راه می‌رود، نمی‌داند به کجا می‌رود.»

تا زمانی که نور را دارید، به نور ایمان آورید تا فرزندان نور شوید. و من، هنگامی که از زمین بلند شوم، در مصلوب شدنم، همه مردم را به سوی خود خواهم کشید. این در یوحنا ۴:۴۶ به پدر نسبت داده شده است.

در اینجا، آن به پسر نسبت داده شده است. اگر آن را درست بدانید، اگر آن را به عنوان یک جذب یا فراخوانی مؤثر درک کنید، که به وضوح در فصل ۶ نیز همین است، زیرا کسانی که داده و جذب می‌شوند می‌آیند، حفظ می‌شوند و قیام می‌کنند. در اینجا، شما یک جهان‌شمولی دارید و همه نجات خواهند یافت

بسته به معنای «همه مردم». «اگر به معنای واقعی کلمه همه، همه بدون استثنا باشد، یا جهان‌شمولی مطلق دارید، همه نجات یافته‌اند، که با انجیل یوحنا مطابقت ندارد، یا یک ترسیم بی‌اثر دارید که به گناهکاران فرصت ایمان آوردن و نجات یافتن می‌دهد. من از متن پیشنهاد می‌دهم، و نویسندگان مختلف از دیدگاه‌های الهیاتی مختلف این را به من آموخته‌اند یا آنچه را که فکر می‌کردم تأیید کرده‌اند؛ نمی‌دانم کدام اول بوده است.

یونانیان، برخی یونانیان در آیه ۲۰ آمده‌اند. اینجا جایی است که یوحنا پیش‌بینی می‌کند، همانطور که در یوحنا ۱۰ با گوسفندان دیگر انجام می‌دهد، من گوسفندان دیگری دارم که از این گله نیستند، در فصل ۱۱، با نبوت قیافا، فرزندان پراکنده خدا نه تنها شامل یهودیان، بلکه شامل غیریهودیان نیز می‌شود. در اینجا برخی یونانیان برای عبادت در جشن می‌آیند و می‌خواهند با عیسی صحبت کنند.

شاگردان عیسی این کلام را پخش می‌کنند و از عیسی درخواست ملاقات می‌کنند، و به نظر می‌رسد که او پاسخی نمی‌دهد. او مطمئناً بلافاصله پاسخ نمی‌دهد، بلکه در مورد زمان حال، زمان فرا رسیدنش صحبت می‌کند. این یکی از آن جاهایی است که من همیشه می‌گویم، پایان ۱۲، آغاز ۱۳، زمان او فرا رسیده است.

اینجاست، زمان جلال یافتن پسر انسان فرا رسیده است. سپس این دانه گندم را داریم که به استعاره به زمین می‌افتد، که هم از مرگ عیسی و ثمر دادن او و هم از شاگردانش که برای خود مردند و ثمر آوردند، سخن می‌گوید. ما به طور گذرا اشاره کردیم که پایان ۲۵ سالگی اشاره‌ای واقعی به آینده یا هنوز نه، به زندگی ابدی است.

آنها در انجیل یوحنا رایج نیستند، اما وجود دارند. از آن به بعد، من قبلاً آن را خلاصه کردم. یوحنایی در جتسیمانی، صدایی از آسمان، مردمی که نمی‌فهمند، و سپس عیسی در مورد شکست شیطان در مصلوب شدن پسر و بلند کردن او صحبت می‌کند.

من پیشنهاد می‌کنم که این نقاشی اینجا مؤثر نیست. نمی‌دانم که آیا مؤثر است یا نه. اگر مؤثر باشد، من آن را به خوبی با یوحنا ۶ هماهنگ می‌کنم.

همه مردم «به معنای مطلق و جهانی نیست. منظور همه بدون استثنا نیست، بلکه منظور همه بدون» تمایز است. یعنی شامل یونانیان و غیریهودیان می‌شود.

بنابراین، اگرچه به نظر می‌رسد که من مردد هستم، و هستم، و می‌خواهم بیشتر کتاب مقدسی باشد تا الهیاتی، و می‌خواهم با متن محتاط باشم، اما می‌گویم که این تصویرسازی مؤثر است، و منظور از «همه مردم» به معنای واقعی کلمه همه مردم نیست، بلکه نه تنها یهودیان، بلکه انواع مردم، همه بدون تمایز است، که این تمایزات حداقل از نظر کاربردی چیزی بیش از نژاد یا قومیت خواهد بود. آنها شامل افرادی از هر زبان، هر قبیله، هر زبان، هر مکان، هر مکان در جهان، هر کشور و غیره می‌شوند. نجات در یوحنا از دیدگاه‌های مختلفی بررسی شده است.

اینجا یک مورد بسیار محدود وجود دارد که در آن رستگاری به عنوان جذب مردم به سوی پدر به عنوان بخشی از یک فرآیند الهی توصیف می‌شود، پدر و پسر با هم برای نجات مردم همکاری می‌کنند. در اینجا، از همان کلمه استفاده شده است؛ این یک کلمه از نوع شکار و ماهیگیری است، به عنوان مثال، جذب ماهی و

، چرخاندن ماهی به داخل، خود پسر بر روی صلیب. خوشبختانه، یک مورد واضح برای من رستگاری است، رستگاری قوم خدا، رستاخیز به زندگی.

ما آن را در یوحنا ۵ می‌یابیم. ما قبلاً این کار را انجام داده‌ایم، بنابراین مدت زیادی روی آن مکث نمی‌کنم، اما در یوحنا ۵، این یک متن حیات‌بخش است. پسر، دهنده حیات ابدی است. او به مردی که ۳۸ سال لنگ بوده، حیات بخشیده است و رهبران یهودی خوشحال نیستند زیرا او با گفتن به آن مرد که تخت خود را بردارد و راه برود، سبت را می‌شکند، و نه تنها این، بلکه او خدا را به روشی بسیار نامناسب پدر خود می‌نامد و خود را با خدا برابر می‌کند، آیه ۱۸. در پاسخ، عیسی می‌گوید، او همیشه اراده پدر را انجام می‌دهد، او در اینجا یک تکاور تنها نیست، او همیشه اراده پدر را انجام می‌دهد و فقط کاری را انجام می‌دهد که می‌بیند پدر انجام می‌دهد. این آیه ۱۹ است و از دانش الهی، از امور الهی صحبت می‌کند.

و پسر حیات می‌بخشد، همانطور که پدر مردگان را زنده می‌کند و به آنها حیات می‌بخشد، پسر نیز به هر که بخواهد حیات می‌بخشد. آیاتی که بلافاصله پس از آن می‌آیند، از پسر به عنوان انسان‌های احیاکننده سخن می‌گویند. او موعظه می‌کند که وقتی مردم ایمان می‌آورند، به پدر ایمان می‌آورند، حیات جاودان به دست می‌آورند و رستاخیز روحانی را تجربه می‌کنند، از قلمرو مردگان به قلمرو زندگان منتقل می‌شوند.

، هر که کلام مرا بشنود، ۲۴ و به فرستنده من ایمان آورد، اکنون حیات جاودان دارد. او به داوری نمی‌آید، بلکه از مرگ به حیات منتقل شده است؛ یعنی رستاخیز روحانی، یعنی تجدید حیات. بنابراین، این برخاستن رستاخیز یا رستاخیز جسمانی آینده‌نگر نیست؛ بلکه رستاخیز روحانی حال حاضر است.

با این حال، در آیات ۲۸ و ۲۹، مکمل آن را داریم؛ ما هنوز رستاخیز نداریم، و نه رستاخیز روحانی، بلکه رستاخیز جسمانی، یا اگر بخواهید، رستاخیز جسمانی و روحانی، از طرف مؤمنان. به راستی به شما می‌گویم آیه ۲۵، ساعتی فرا می‌رسد، و اکنون اینجاست، که مردگان صدای پسر خدا را خواهند شنید، و کسانی که می‌شنوند، اکنون زنده خواهند شد، دوباره متولد می‌شوند، از نو زاده می‌شوند. زیرا همانطور که پدر ذاتاً در خود حیات دارد، این یک ویژگی الهی است، یک دارایی الهی است، بخشی از خدای حقیقی و زنده بودن است، و این یک ویژگی الهی است.

بنابراین، او به پسر نیز عطا کرده است که در خود، در حالت تجسم خود، حیات داشته باشد. و پسر نیز، داور است، زیرا او پسر انسان است، او نماینده انسان است. از این تعجب نکنید، تعجب نکنید که اکنون به گفته پسر انسان، رستاخیز روحانی وجود دارد.

چه ادعاهای خارق‌العاده‌ای. به گفته‌ی او، مردم از مرگ روحانی به حیات روحانی می‌رسند. این حیات جدید در مقایسه با وضعیت قبلی چنان شگفت‌انگیز است که با رستاخیز مردگان مقایسه می‌شود.

و این تعجب‌آور نیست، او می‌گوید، زیرا این صدای پسر است که مردگان را به معنای واقعی کلمه، از نظر جسمی، از مقبره‌هایشان زنده خواهد کرد. از این تعجب نکنید، یوحنا ۵، ۲۸-۲۹، ساعتی در راه است. به تضاد توجه کنید.

، ساعتی در راه است و اکنون فرا رسیده است، ۲۵، که مردم از نظر روحانی دوباره متولد می‌شوند. اما اکنون ساعتی در راه است، ۲۸، که اکنون اینجا نیست، زمانی که همه کسانی که در قبرها هستند صدای او را خواهند شنید و بیرون خواهند آمد، کسانی که نیکی کرده‌اند برای رستاخیز حیات، و کسانی که بدی کرده‌اند برای رستاخیز داوری. در اینجا، در کنار هم، رستاخیز روحانی، رستاخیز جسمانی، تجدید حیات، رستاخیز جسم وجود دارد.

بنابراین، این رستاخیز از قبل است، در تجدید حیات، رستاخیز، نه هنوز در برخاستن بدن‌ها از قبر یا مقبره‌ها. ۲۹ و ۳۰، ۳۰، متاسفم، ۲۹ مردم را گنج کرده است. او، ضمناً، ۲۸، در رستاخیز، گاهی اوقات پدر کسی است که صدایش مردگان را زنده می‌کند، و گاهی اوقات پسر

هرگز روح القدس نیست. سیستماتیک‌ها می‌گویند، از زمان تثلیث، اشخاص جدایی‌ناپذیرند، رستاخیز مردگان، کار تثلیث مقدس، به ویژه پدر و پسر است. کتاب مقدس هرگز نمی‌گوید روح القدس، در واقع، در یک جا، در رومیان ۸، به این موضوع اشاره می‌کند، بیش از آنکه به این موضوع اشاره کند

من حرفم را پس می‌گیرم. روح القدس در زنده کردن مردگان نقش دارد. رومیان ۸:۱۱

اگر روح کسی که عیسی را از مردگان برخیزانید، تمام تثلیث در یک عبارت، حتی یک بند، وجود دارد. اگر روح پدر، روح، روح القدس، پدری که عیسی را از مردگان برخیزانید، در شما ساکن باشد، او که مسیح عیسی را از مردگان برخیزانید، همان پدر است، به بدن فانی شما نیز حیات خواهد بخشید، بنابراین از نظر فنی پدر. در اینجا رستاخیز دهنده است، اما او این کار را از طریق روح خود که در شما ساکن است انجام می‌دهد. رومیان ۸:۱۱ تعلیم می‌دهد که پدر کسی است که مردگان را زنده می‌کند، اما او این کار را از طریق روح القدس انجام می‌دهد.

و تداوم هویت وجود دارد، به این صورت که پدر به بدن‌های فانی و در حال مرگ ما حیات می‌بخشد، اما او این کار را از طریق روح انجام خواهد داد. بنابراین، رستاخیز کار تثلیث است، به ویژه پدر و پسر. آیه ۲۹ از یوحنا ۵، و آنها با صدای پسر از قبرها بیرون خواهند آمد، کسانی که نیکی کرده‌اند برای رستاخیز حیات، و کسانی که بدی کرده‌اند برای رستاخیز داوری

درک مورد دوم آسان است. خدا مردم را به خاطر اعمالشان داوری می‌کند، و افراد نجات نیافته به خاطر اعمال گناه آلودشان محکوم می‌شوند. این از جانب خدا بسیار عادلانه است

هیچ کس نمی‌تواند شکایت کند. شما می‌گویید، مگر آنها به خاطر اینکه به عیسی ایمان ندارند محکوم نیستند؟ نه، تنها راه چاره ایمان به عیسی است، اما اساس و بنیان محکومیت آنها، بی‌ایمانی به عیسی نیست؛ بلکه گناهان آنهاست. برای اینکه به طور کامل توضیح دهم، افکار، گفتار و کردار گناه‌آلود آنهاست.

پدر بود. از حضور او، زمین و آسمان گریختند و جایی برای آنها یافت نشد.

من آن را به معنای واقعی کلمه نمی‌دانم، و آن را مجازی می‌دانم. حضور او باشکوه است. خود آسمان و زمین، آسمان‌ها، پیدایش ۱:۱، اگر می‌توانستند از او فرار می‌کردند، به عنوان شخصیت، تا هیبت مطلق او را نشان دهند.

مردگان را از بزرگ و کوچک دیدم که در برابر تخت ایستاده بودند، و دفترهایی گشوده شد. دفتر دیگری گشوده شد، دفتر حیات. مردگان بر اساس آنچه در دفترها نوشته شده بود، بر اساس اعمالشان، داوری شدند.

داوری بر اساس اعمال است. هرمان ریدربوس، پولس و طرح کلی الهیات او را مقایسه کنید. یکی از عناوین فصل‌های او داوری بر اساس اعمال است.

اعمال برای ما کلمه‌ای زنده و تابو است. من می‌گویم داوری بر اساس اعمال، اما این کلمه «ارگا» است، همان کلمه‌ای که ترجمه شده «اعمال» است. او مردگانی را که در آن بودند، تسلیم کرد، مرگ و هادس مردگانی را که در آنها بودند، تسلیم کردند و هر یک از آنها بر اساس آنچه انجام داده بودند، داوری شدند.

و این در هر متن داوری که مبنای داوری در آن ارائه شده است، وجود دارد. همیشه اعمال، گاهی کلمات افکار، گاهی افکار، گاهی کلمات، که من آنها را در دسته بزرگتر اعمال قرار می‌دهم. ضمناً، همانطور که گرگ بیل در تفسیر عظیم و شگفت‌انگیز خود از مکاشفه نشان می‌دهد، این متن نیز رگه‌ای از حاکمیت الهی دارد.

کتاب حیات، دفتر آسمانی اورشلیم جدید است و بنابراین، یک مضمون از پیش تعیین شده است. این مضمون، مضمون دیگر را تضعیف نمی‌کند. داوری همیشه بر اساس اعمال است، اما در چند مورد، این یکی از آنهاست.

و جالب اینجاست که یک مورد مهم، یعنی بخش داوری نهایی در کتاب مقدس، آن گرایش از پیش تعیین شده وجود دارد. آیا این، داوری بر اساس اعمال را باطل می‌کند؟ نه، اما آن را مشروط می‌کند. من به یوحنا ۵:۲۹ برمی‌گردم.

با صدای پسر انسان، مردم بیرون می‌آیند. کسانی که مرتکب بدی شده‌اند، برای رستخیز داوری قیام خواهند کرد. مشکلی نیست.

آنها قضاوت می‌شوند، محکوم می‌شوند، به خاطر گناهانشان به جهنم می‌روند. قسمت سخت ماجرا این است که آنها می‌آیند و بیرون می‌آیند، کسانی که کارهای نیک انجام داده‌اند تا رستخیزی از زندگی داشته باشند. این چیزی است که کتاب مقدس به طور مداوم تعلیم می‌دهد.

آیا این، رستگاری از طریق فیض و ایمان به مسیح را تهدید نمی‌کند؟ نه، این رستگاری نیست. این داوری است و داوری بر اساس اعمال است. زیرا ایمان را نمی‌توان داوری کرد.

ایمان با اعمال نشان داده می‌شود. یعقوب ۲، ایمان خود را بدون اعمال به من نشان بده. این غیرممکن است.

من ایمانم را با اعمالم به شما نشان خواهم داد. مورد اول غیرممکن است، و یعقوب کمی طعنه می‌زند.

شما معتقدید که شیاطین نیز معتقدند که ایمان بدون اعمال مرده است. اینطور نیست که ایمان زنده نباشد. ایمان خود را بدون اینها به من نشان دهید.

من ایمانم را با اعمالم به شما نشان خواهم داد. اعمالی که از جانب اولیای خدا ظاهر می‌شوند، اساس رستخیز آنها به زندگی هستند. آنها تفسیر بسیاری از آیات، از جمله همین آیه، هستند. شکی نیست.

خدا تقدیس را در آنها و از طریق آنها انجام داد. جان موری در تفسیر رومیان خود این را تعلیم می‌دهد و می‌گوید که این به ما یک کلام حکیمانه می‌دهد. ما فراموش می‌کنیم که تقدیس به همان اندازه که کار خداست، کار خدا نیز هست.

و این درست است؛ اگرچه ما به نوعی در تقدیس همکاری می‌کنیم، اما مطمئناً در توجیه این کار را نمی‌کنیم. بنابراین، آیا من می‌گویم که این داوری بر اساس اعمال بدون فیض است؟ نه، البته که نه. این داوری بر اساس اعمالی است که ثمره فیض هستند.

و من دوباره این کار را خواهم کرد. پدر، پسر و روح القدس خالق این کارهای نیک هستند. ما کارهای نیک را انجام می‌دهیم، اما خدا آن کارهای نیک را از طریق قوم خود انجام می‌دهد و او جلال می‌یابد.

و ما در روز داوری نهایی نخواهیم گفت، خب من فوق‌العاده بودم و می‌دانیم که خواهیم گفت ای عیسی، تو را شکر می‌کنم که مرا نجات دادی، نه تنها مرا یک بار برای همیشه در عادل شمردگی عادل اعلام کردی بلکه به من روح بخشیدی و در من کارهای خداپسندانه انجام دادی. تو مقدسینی را که من می‌شناسم و بیشترین کارهای نیک را انجام می‌دهند، می‌شناسی، آنها از دیگران پیروی نمی‌کنند. آنها مانند افرادی هستند که در متی ۲۵، گوسفندان و بزها، آمده است.

پروردگارا، ما کی تو را در زندان دیدیم؟ کی به ملاقاتت آمدیم؟ کی این کار را کردیم؟ چه کمکی به آن کردیم؟ خداوند همه چیز را پیگیری می‌کند. واقعاً شگفت‌انگیز است. پدر مسئول است.

خب، دوباره می‌گویم. مقدسین واقعاً این کارهای نیک را انجام می‌دهند. یعنی به روشی شایسته؟ نه، البته که نه.

کسانی که به لطف خدا آزادانه نجات یافته‌اند، تازه هستند و به خدا خدمت می‌کنند و خدا را دوست دارند و برای خدا زندگی می‌کنند. یک درخت خوب، میوه خوب می‌دهد. یک درخت خوب چگونه به یک درخت خوب تبدیل می‌شود؟ به لطف خدا.

پدر در ما کار می‌کند، فیلیپیان ۲، حدود ۱۲ سال پیش، تا اراده کنیم و برای خشنودی او کار کنیم. نجات خود را با ترس و لرز به کار گیرید - مسئولیت انسانی برای قوم خدا.

برای رستگاری خود تلاش نکنید؛ آنچه را که خدا در آن عمل کرده است، کشف کنید. رستگاری خود را با ترس جستجو کنید، زیرا، در بند سببی، این خداست که در شما هم اراده و هم عمل را برای خشنودی خود انجام می‌دهد. اعمالی که در داوری آخر ظاهر می‌شوند، در واقع اعمال ما هستند که ظاهر می‌شوند زیرا ما در تاک می‌مانیم، عیسی، یوحنا ۱۵، که گفت، بدون من، شما نمی‌توانید هیچ کاری انجام دهید.

بنابراین، پدر اراده می‌کند، حتی ایده‌های خوبی که ما برای خدمت به خداوند داریم از جانب خداست و او جلال می‌یابد. او در ما هم اراده می‌کند و هم مطابق با خشنودی خود عمل می‌کند. عیسی الهی است.

ما نمی‌توانیم جدا از او کاری انجام دهیم. با ماندن در او، کارهای نیک را برای جلال خدا انجام می‌دهیم. و البته، اینها ثمره روح القدس هستند، غلاطیان ۵. اینها اعمال نفسانی نیستند که به خدا نسبت داده شده باشند تا ما را به خاطر شایستگی‌مان بپذیرد، ای خداوند.

نه، او ما را به لطف خود برای تو می‌پذیرد، به ما روح می‌بخشد، در ما میوه تولید می‌کند، و این میوه روح‌القدس است. آیا ما هیچ ارتباطی با آن نداریم؟ نه، ما با خدا کار کردیم، که با آن در ما کار کرد. و سپس پسر با آن، جدا از او می‌توانیم اسکات انجام دهیم.

و روح، آن میوه را در ما، قوم خدا، به بار آورد. همین کافی است. در یوحنا ۶، بارها و بارها، عیسی کسی است که در روز آخر مردگان را زنده خواهد کرد.

برای تکمیل مطلب، پدر در بسیاری از قسمت‌ها رستاخیزکننده است. فکر می‌کنم تقریباً ۵۰-۵۰ است، پدر و پسر ۶:۳۹، این اراده پدر است که من هیچ چیز از آنچه او به من داده است را از دست ندهم، بلکه آن را در روز آخر برخیزانم.

یوحنا ۶:۴۰، این اراده‌ی فرستنده‌ی من است، اراده‌ی پدر من بود. هر که به پسر بنگرد و به او ایمان آورد، حیات جاودان خواهد داشت و من او را در روز بازپسین زنده خواهیم کرد. ۴۴، هیچ‌کس نمی‌تواند نزد من بیاید، مگر اینکه پدری که مرا فرستاده او را جذب کند و من او را در روز بازپسین زنده خواهیم کرد همانطور که حدس زدید.

هر که از گوشت من تغذیه کند و خون من بنوشد، هر که به من و کفاره من ایمان آورد، حیات، ۵۴ جاودان دارد و من او را در روز بازپسین خواهیم برخیزانید. رستگاری، رستاخیز به حیات است. تأکید اینجا بر رستاخیز روحانی، آنطور که پیشتر در یوحنا ۵ آمده است، نیست. یوحنا ۵:۲۴ و ۲۵.

این یک رستاخیز جسمانی است. مفهوم فلسفی یونانی-هلنیستی جاودانگی روح، خیر اعلی یا همان خیر مطلق مسیحیت نیست. نه، ما مشتاق رستاخیز جسم هستیم.

خداوند در وهله اول بدن‌ها را آفرید. ما اکنون در جسم زندگی می‌کنیم. بنابراین مرگ غیرطبیعی و موقتی است، حتی حالت مرده بودن غایب از بدن و حضور در کنار خداوند، که فوق‌العاده است، اما بهترین حالت نیست.

پولس می‌گوید، فیلیپیان ۱:۱۹ تا ۲۱- تقریباً، بهتر از این است که خداوند را در جسم بشناسیم، زیرا گناهان ما از بین رفته‌اند و ما در حضور پی‌واسطه عیسی خواهیم بود. اما بهترین چیز هنوز در راه است. بهترین چیز این است که برخیزیم و بدن‌های فانی ما توسط خدا تغییر کنند. به نظر می‌رسد تبدیل شدن کلمه کلیدی در اول قرن‌تین ۱۵ باشد، تبدیل بدن‌های فانی فعلی ما به بدن‌های قدرتمند، جاودانه، فسادناپذیر، باشکوه و دارای قدرت روح که ما را برای عصر آینده مجهز می‌کند.

این، در واقع، رستگاری‌ای است که باید مشتاقانه منتظرش بود. این رستگاری همین الان هم هست. هنوز اتفاق نیفتاده است.

در آخرین سخنرانی‌مان، بررسی خواهیم کرد که چگونه عیسی قوم خود را نجات می‌دهد و کل موضوع آخرین چیزها را با توجه به «از قبل» و «نه هنوز» در چشم‌اندازی قرار خواهیم داد.

این سخنرانی دکتر رابرت ای. پترسون در تدریس الهیات یوحنا است. این جلسه ۱۹ با عنوان «نجات، جذب شدن، فراخوانده شدن، برخاستن، رستاخیز به زندگی» است.